

وقف و تشکیل سرمایه در بازار مالی ایران^۱

جناب آقای دکتر حسین عبده تبریزی

استاد دانشگاه امام صادق (ع)

و

جناب آقای محمد مهدی هاشمی نسب

از دانشگاه امام صادق (ع)

این تحقیق حاصل پژوهشی است که آقای محمد مهدی هاشمی نسب انجام داده‌اند. بنده هم به‌عنوان راهنما در خدمتشان بوده‌ام. حضرت آیت‌الله باقری کنی مشاور پایان‌نامه بودند. درعین حال باید تصریح کنم مسؤولیت آنچه گفته می‌شود، مربوط به بنده و آقای هاشمی نسب است.

مدتهاست که ما در کشورمان از تنوع بازار سرمایه، تنوع بازارها، تنوع نهادها و از تنوع ابزار مالی برای تجهیز پس‌اندازها و افزایش سرمایه‌گذاری در مملکت و بالابردن تشکیل سرمایه و نرخ بالاتر تشکیل سرمایه صحبت می‌کنیم. وقتی به نمونه‌های خارجی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم آنها نهادی دارند به نام Trust Fund یا Endowment Fund که دومی را می‌توانیم صندوق وقفی تعریف کنیم. طی سالهای طولانی، این نهاد به کار مشغول بوده و صندوق وقفی و صندوق Trust در غرب و شرق دور، تأمین‌کننده مالی بسیاری از مؤسسات فرهنگی و اجتماعی بوده‌اند. به‌طور مثال: دانشگاهها، مدارس خصوصی، موزه‌ها، بیمارستانها، بنیادهای خیریه و فعالیتهای بسیاری را در حوزه حفظ محیط زیست یا حمایت از بیماریهای خاص مثل تالاسمی، ایدز و غیره می‌شناسیم که از طریق چنین صندوقهای وقفی در دنیا اداره می‌شوند. می‌شنویم که در بسیاری از دانشگاههای

۱- به علت عدم دسترسی به اصل مقاله، آنچه ملاحظه می‌فرمائید از نوار سخنرانی پیاده و پس از ویراستاری در مجموعه درج گردیده است.

غرب، کرسی وقفی دارند. کرسی وقفی که استاد پولش را از محل وقف و عایدات آن می‌گیرد. می‌شنویم در کشورهای خارجی، همه بانک‌ها Trust Fund یا چیزی به نام:

Fiduciary Trust Services دارند که بسیاری از آنها نهادهای وقفی را اداره می‌کنند. آنچه در این بانک‌ها و این نهادهای وقفی مطرح است، حفظ ارزش املاک و به اصطلاح منافع ذینفع است. آنها به دنبال حفظ ارزش دارایی یا به اصطلاح: Protecting the Assets هستند. این بانک‌ها صندوقهای ماترک متوفی را نگهداری می‌کنند، داراییهای وقفی را نقد کرده و به چیزهای دیگر تبدیل می‌کنند. به طور مثال: سهام را می‌گیرند، جابجا کرده و به جای سهام دیگری می‌گذارند. به اصطلاح، نقد کردن آنچه موضوع وقف است، کار بسیار رایجی است. متأسفانه، در اینجا ما فرصت آن را نداریم که از هزاران هزار مورد صحبت کنیم. ملاحظه کرده‌اید که در صفحه آخر کتاب «بازارها و نهادهای»، بعضی از این صندوقهای وقفی را معرفی کرده‌ایم. می‌بینید که بعضی از این صندوقهای وقفی بسیار هم بزرگ هستند. مثلاً صندوق وقفی Ford Foundation ۵/۴۶ میلیارد دلار، یا صندوق «پاول گتی» که ثروتمند معروفی است، ۴/۸۲ میلیارد دلار دارایی دارد. از این صندوقها بسیار است که تعداد عمده‌ای از آنها را در فصل آخر کتاب «نهادهای بازارهای مالی» تحت عنوان «صندوقهای مالی» ترجمه کرده‌ایم که موجود است.

در سنت ایران اسلامی مان می‌بینیم که از قدیم ظاهراً قبل از اسلام، صندوقهایی از این قبیل وجود داشته که تحقیق آقای هاشمی‌نسب هم به همین موضوع اشاره می‌کند. به اصطلاح آن چیزی که صدقه جاریه یا سنت پیامبر اسلام هست و اوج آن را در زمان صفویه می‌بینیم، سبب احیای صندوقهای زیادی شد. اکنون، اطلاعات و خبرهایی به دست می‌آید که ما را نسبت به کارکرد این صندوقها اندکی نگران می‌کند.

مصاحبه آقای جمارانی را به مناسبت هفته وقف در سال ۱۳۷۶ برای شما می‌خوانم. به عنوان مثال، براساس آمار ارائه شده توسط آقای جمارانی ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه در مدت ۳ سال اجرای طرح شناسایی موقوفات ۷۱ و ۷۲، فقط در استانهای زنجان، سمنان، گیلان، مازندران، اراک و اصفهان، بیش از ۵۴۰۰ فقره موقوفه گمشده کشف شده است. در واقع، مدیر دستگاه مربوطه می‌گوید که وقفهای بسیار زیادی در طول زمان کم می‌شود و موضوعاتش از بین می‌رود. ما از کم شدن وقف در جمهوری اسلامی، در یک حکومت دینی، معنوی، اخلاقی، طبعاً نگران بودیم و تصمیم گرفتیم که این مسأله را مورد بررسی قرار دهیم. به همین دلیل، بر آن شدیم که از امکانات موجود در دانشگاه امام صادق (ع) و نیز دانش روحانیان و متشرعین آنجا استفاده کرده و با دیدگاههای اسلامی موضوع آشنا شویم.

من قبل از ادامه مطلب از آقای هاشمی‌نسب خواهش می‌کنم که با توجه به نیم ساعت وقت تعیین شده، به طور خلاصه درباره منابع تحقیق خود و نیز چند تعریف در این زمینه برای شما

توضیح‌دهند. بعد، برای ادامه بحث در خدمت خواهیم بود.

آقای هاشمی‌نسب:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با عرض سلام و ادب خدمت حضار محترم و نیز به پیروی از امر استاد گرانقدر جناب آقای دکتر عبده تبریزی مطالبی را در حوزه شناخت نهاد صدقه جاریه خدمت حضار محترم عرض می‌کنم:

در ابتدا، لازم است عرض کنم که اصولاً برای شناخت هر نهاد و پدیده‌ای لازم است که فرآیند شناخت را از مسیر مبادی و سرچشمه‌های اصلی موجد این مفهوم یا این نهاد پی بگیریم. ما هم در حقیقت، از همین روش استفاده کردیم. بنابراین، دو منبع اصلی احکام اسلامی، یعنی قرآن و سنت را چراغ راه قراردادده و از کتب منبع فقهی در این جهت استفاده کردیم، از جمله: کتاب شرایع الاسلام، جواهرالکلام، شرح لمعه، المبسوط و تحریرالوسیله. منابع ما برای شناخت پدیده صدقه جاریه، عمدتاً این کتابها بوده است. و اما، در قرآن که مطالعه کردیم، به هیچ وجه آیه‌ای که کلمه وقف در آن به کار رفته باشد، یعنی به معنای ماده وقف به کار رفته باشد، پیدا نکردیم. هرچند در قرآن تصریحات و تشبیهات بسیاری در جهت صدقه و نیکوکاری وجود دارد. مثلاً: تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ - لَنْ نَأْتِيَ الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ این نمونه‌هایی از آیات بسیاری است که مسلمین را به وقف و نیکوکاری توصیه می‌کند.

هرچه در کتاب المعجم به الفاظ حدیث النبوی رجوع کردیم و بررسی نمودیم، کلمه‌ای که ناظر به کلمه وقف باشد، ندیدیم. گرچه، عبارت صدقه جاریه را کراراً ملاحظه کردیم. بنابراین، به این نتیجه رسیدیم که کلمه «وقف» کلمه‌ای است که در حقیقت، بعدها برای مفهوم «صدقه جاریه» عنوان گردیده و به تدریج به واسطه کثرت استعمال، جایگزین مفهوم صدقه جاریه شده است. بعدها، در کلام معصومین علیهم السلام، عباراتی مشاهده شد که به کلمه وقف اشاره داشت، ولی این عبارات هم در مقایسه با عبارت صدقه جاریه بسیار نادر هستند.

نکته بسیار مهم دیگری که در اهداف صدقه جاریه قابل ذکر است این است که هدف از تأیید این حکم در اسلام و تشویق مسلمین به این عمل، برخوردار نمودن مسلمین و به‌طور کلی جامعه انسانی از مزایای اجر و ثواب مستمر ابدی بود. این فلسفه تأیید نهاد صدقه جاریه در اسلام است. بنابراین، خود این فلسفه و آن عبارت صدقه جاریه می‌تواند دال بر این باشد که ما نباید در حقیقت حوزه و دامنه و اموال قابل اختصاص به اهداف معینی در قالب وقف را محدود کنیم. ولی، متأسفانه به علت کثرت استعمال کلمه وقف که ناظر به مفهوم ایستایی و سکون است، به جای کلمه صدقه جاریه، ملاحظه می‌شود که بخش اعظم از حوزه وقف خارج می‌شود. مثلاً، اموال سیال مثل

پول از حوزه وقف خارج می‌گردد. بسیاری دیگر از اموال تحت‌عنوان داراییهای مالی که در اقتصاد توسعه‌یافته امروز به‌ثبیت رسیده‌اند، براساس احکام شرعی موجود، بسیاری از آنها مانع شرعی داشته و در حقیقت وقف آنها صحیح نیست.

بنابراین، عرض ما این بود که به‌سبب اشتباهی که در استفاده از عبارت بوده، یعنی عدول از عبارت اصلی صدقه جاریه به وقف بوده، ما جامعه اسلامی خودمان را از بهره‌مندی از منابع وقف اموال سیال و برخی داراییهای مالی محروم کرده‌ایم. یکی از دلایل این مسأله این است که به‌هرحال، اقتصاد زمان صدر اسلام، اقتصاد توسعه‌یافته‌ای نبوده‌است. در آن موقع، ما با داراییهای مالی مواجه نبوده‌ایم و استفاده‌ای که از پول می‌شده‌است، عمدتاً استفاده مصرفی بوده است. در شرایع الاسلام و به‌تبع آن در جواهرالکلام، علتی برای ممنوعیت وقف پول ذکر شده است و آن اینکه می‌گویند، پول مثل خوراکیها و شمع، در صورت استفاده از بین می‌رود، درحالی‌که قیاس پول با خوراکی یا شمع، قیاس مع‌الفارق است. به‌این ترتیب که پول در صورت سرمایه‌گذاری، می‌تواند خلق ارزش کند، درحالی‌که خوراکی و شمع قابلیت خلق ارزش را در مقایسه با پول ندارند.

بنابراین، نتیجه گرفتیم که با توجه به دلایل روشن در ارتباط با سنت حسنه صدقه جاریه، بهتر است که ما از عنوان اصلی و عبارت اصلی در این حوزه استفاده کرده و به‌تبع آن محدوده اموال قابل وقف و اموالی را که قابل اختصاص به این سنت حسنه برای اهداف خیر است، افزایش دهیم. البته، نتایج آن در بیانات استاد گرانقدر جناب آقای عبده خواهد آمد. در ادامه مطالب، برای اینکه تعریف روشنی از انواع وقف داشته‌باشیم، انواع و اقسام وقف را به‌طور خلاصه خدمت حضار محترم عرض می‌کنم: وقف به اعتبارات مختلف، به اقسام مختلفی تقسیم می‌شود. یکی از آنها به اعتبار موقوف علیهم است، یعنی آنهایی که منابع وقف نصیبشان می‌شود. به‌این اعتبار، وقف خاص، یعنی وقف بر شخص یا اولاد و وقف عام، به‌معنای وقف بر اهداف و مصالح عمومی تعریف می‌شود. به‌اعتبار مدت زمان وقف، وقف به دو نوع بلندمدت و کوتاه‌مدت قابل تقسیم است. در اصطلاحات فقهی، وقف مؤبد و وقف موقت را برای این مفهوم به‌کار می‌برند. منتها، وقف کوتاه‌مدت جز در حالات استثنایی، کاربرد چندانی ندارد. می‌گویند وقف بلندمدت بیشترین کاربرد را دارد.

نکته دیگری که در تقسیم‌بندی وقف قابل توجه است، تقسیم‌بندی وقف به اعتبار نوع موقوف است. زمانی اموال منقول را وقف می‌کنیم و زمانی اموال غیرمنقول را. عمدتاً، در اسلام وقف غیرمنقول رایج‌بوده و مصادیق وقف منقول بسیار کم است و در حقیقت به وقف کتاب و لباس و از این قبیل محدود می‌شود که بسیار جای بحث داشته و ما هم در تحقیق توجه زیادی به آن نموده‌ایم.

تقسیم‌بندی وقف به اعتبار نوع استفاده از موقوف، بحث بسیار مهمی است و در حقیقت، دامنه تحقیق ما هم وقف منفعت بوده، یعنی وقفی که منظور از آن صرفاً درآمد مادی است و بیشترین جای بحث ما هم در نوع وقف منفعت است و این زمانی است که عین موقوفه موضوعیت ندارد، برخلاف وقف انتفاع که منظور از آن درآمد مادی نیست و صرفاً خود وقف مثل مسجد، کاروانسرا و از این قبیل می‌باشد.

در نهایت، وقف به اعتبار مدیریت موقوفه از نظر سازمان اوقاف و امور خیریه مبنای علمی ندارد و از نظر کاربردی صرفاً، اوقاف به دو دسته متصرفی و غیرمتصرفی تقسیم می‌شود. یعنی، آنهایی که قانوناً به‌عهده سازمان اوقاف و امور خیریه هستند، متصرفی و موقوفاتی را که دارای متولی و ناظر هستند، ولی سازمان اوقاف و امور خیریه بر آنها نظارت استصوابی دارد، موقوفاتی غیرمتصرفی برمی‌شمارند.

با عرض معذرت از تصدیع اوقات شما، عرایضم را تمام می‌کنم.

دکتر عبده تبریزی:

با توجه به اینکه تقریباً یک ربع از وقت تعیین شده گذشته است و از طرفی نمی‌خواهم از نیم‌ساعت وقت مقرر بیشتر شود، مطالب آقای هاشمی‌نسب را جمع‌بندی کرده و نتیجه‌گیری لازم را به‌عرض می‌رسانم.

در این بحث ما سه مشکل نظری را به‌شکلی که الان رایج است و گفته می‌شود، تشخیص داده‌ایم. به‌دلیل گرایشی که به حبس عین در فرآیند صدقه جاریه یا وقف وجود دارد، (تحبیس‌الاصل و تسبیل‌المنفعه یا تحبیس‌الاصل و اطلاق‌المنفعه) در شرایط فعلی حبس اصل با نهادن منفعت معیار قرار گرفته و با این برداشت دایره داراییهای موضوع وقف بسیار تنگ شده است.

همان‌طور که گفتند وقف داراییهایی مثل پول صحیح دانسته نشده است و بنابراین ما با این مشکل روبرو هستیم که بعضی از داراییها در ترازنامه سازمان اوقاف داراییهای مرده محسوب می‌شود. پس لازم است پولی تجهیز شود تا این داراییها را زنده گردانند، به‌حرکت درآورد و ایجاد منفعت نماید.

بنابراین، سازمان اوقاف با مشکل جدی نقدینگی روبروست. پس وقف آنچه به پول و شبه پول نزدیک است، در این برداشت رایج نیست. آنچه در خارج داریم، درست برعکس این است. یعنی، بسیاری از موضوعات وقف به‌طور فوری قابل تبدیل به نقدینگی است.

در تجربه، ما، با یک حوزه محدودیت مواجه‌ایم، یعنی، حفظ ارزشهایی که مردم وقف می‌کنند، درواقع نیاز به ابدال و استبدال دارد. به‌این نیاز دارد که چیزی به کسی داده شود و در

مقابل چیزی از او گرفته شود و به این ترتیب ارزش دارایی را حفظ کنیم. درحالی که در شرایط فعلی داراییها به سبب عدم وجود این نقدینگی در معرض اضمحلال تدریجی است. موضوع دوم در این نوع برداشت از وقف اسلامی تأکید بر حفظ اصالت و حفظ عین می باشد. یعنی، به جای اینکه بحث این باشد که ما ارزش دارایی وقف شده را در طول زمان باتوجه به موقع حفظ کنیم و به طور دایمی بتوانیم منفعت مناسبی از آن بگیریم، در این نوع برداشت از وقف می بینیم که اصرار بر حفظ عین مال است. این تعبیر در وقف را پایه و اساس قرار داده و می بینیم که مخصوصاً در داراییهای فیزیکی، این حفظ صورت فیزیکی فایده چندانی ندارد، چون به هر حال، بعد از مدتی از بین می رود و بنابراین، ما باید به دنبال منفعت زایی ارزش اقتصادی و حفظ ارزش آن چیزی که وقف شده است باشیم.

مانع سوم به گمان من نبودن یک مفهوم قطع مرور زمان در مسأله وقف است. در شهر جدیدی در وزارت مسکن شهری که میلیاردها تومان در آن خرج شده، الان با توجه به اسناد موجود، معلوم شده است، در فلان سال آنجا وقف بوده است. شهر جدید مجلسی اصفهان که به استنباط من بیش از ۱۲۰ میلیارد تومان برایش هزینه شده، اکنون به صورت سند وقف در آمده است، بیابانی که این همه پول مردم و پول دولت (که آن هم در واقع پول مردم است) در آن خرج شده، سند وقف درمی آید! این بحث را ما درباره کوی نصر گیشا، در مناطق مختلف شهر تهران به طور دایمی می شنویم.

از دید اقتصادی، این عوامل، ضد امنیت سرمایه است. یعنی مشکلات عظیمی برای مردم و فکر و اندیشه آنان ایجاد می کند که این مناطق را زمانی که خریدیم، دارای چنین محدودیتهایی نبوده، حالا چنین محدودیتهایی پیدا کرده است. به گمان من، این مسأله طبعاً باید بازنگری شده و برداشت جدیدی نسبت به آن به وجود آید.

در مورد مشکلات عملی، عدم حفظ ارزش موقوفات در طول زمان را ما در این تحقیق ثابت کردیم. تحقیق ما با نمونه گیری هایی انجام شد که البته می دانید اطلاعات بسیار کمی در مورد وقف وجود دارد.

پیدا کردن اطلاعات یکی از مشکلات اساسی این تحقیق بوده است. ما ثابت کردیم که در حال حاضر که نرخ بازده آنچه موضوع موقوف است، بسیار بسیار ناچیز است. ما طبعاً می توانستیم وقف متصرف را بررسی کنیم. می دانید اطلاعات در این مورد بسیار کم است. الان بخش عمده بازار تهران موقوفه است، چقدر از این بازده تا به حال به دست آمده است؟ چه بازدهی حاصل شده است؟ آیا ما توانسته ایم نرخ بازده مناسب را در این مسأله پیدا کنیم؟

موضوع دوم نهادی نبودن Funds، نبودن یا به اصطلاح مستقل نبودن این صندوقهای وقف است. تلاش برای خودگردانی عنصر اصلی بقای مستقل و قائم به ذات مؤسسات اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی است.

در حال حاضر، قانون ما برای Funds یا صندوق، فکری نکرده که می‌دانید مشکل Funds یا صندوق در جاهای دیگر هم وجود دارد. حالا، همین آمار گم‌شدن‌ها و پیداشدن‌های موقوفات را که می‌شنویم، نشان می‌دهد که وقف تبدیل به یک نهاد مستقل نشده است. ما به شخصیت مستقل حقوقی در مورد موقوفات توجه نکرده‌ایم. ما ناقض شخصیت مستقل موقوفات بودیم. بنابراین، عدم کارایی در اداره امور داراییها و نبودن انگیزه برای اداره کارآمدشان وجود دارد.

موضوع عملی بعدی، اصل شفافیت در اداره موقوفات است. سازمان اوقاف باید آمار دقیق بدهد. حساب موقوفات باید شفاف باشد تا مردم در یک جامعه دینی به وقف تشویق بشوند. وگرنه اگر ما اطلاعاتی از نرخ بازده کارکردشان، مدیرانشان و دست‌اندرکارانشان و نحوه اداره کردن امور آنها نداشته باشیم، مردم هم به وقف تشویق نمی‌شوند. من فکر می‌کنم که آمار وقف آنچنان بالا نرفته است، یا آن‌طور که در جمهوری اسلامی متصور بوده است، بالا نرفته است. این‌کار به یک نظام حسابداری و حسابرسی دقیق نیاز دارد. سازمان اداره اموال که سازمان اوقاف است، به جای تصدی و به‌جای اینکه آنها را اداره کند (که در آن حوزه تخصص ندارد)، باید به حوزه نظارت برگردد. حساب‌رسان دقیقی داشته باشد که مواظب اوضاع و احوال باشند تا از اموال به‌درستی مراقبت شده و به‌درستی در سرمایه‌گذاری‌ها به‌کار برده شوند. برای تقویت نهاد صدقه جاریه در جامعه به‌ویژه، به شفافیت موضوع وقف در جامعه به‌شدت نیازمندیم.

مسئله بعدی این است که بخش عمده‌ای از موقوفات کشور تحت کنترل موقوفات متصرفی و سرپرستی مستقیم سازمان اوقاف است. براساس آمار گرفته شده از مدیریت آمار و انفورماتیک سازمان اوقاف و امور خیریه، در سال ۱۳۷۵، موضوعات متصرفی که فقط در استان تهران اداره می‌شود، مستقیماً زیر نظر اوقاف، ۳۲۸۵ موقوفه است. موضوعات موقوفات غیرمتصرفی که تحت نظارت سازمان قرار دارد، طبق آمار سال ۷۵، در استان ۹۸۰ مورد بوده است. موقوفات متصرفی یاد شده شامل ۱۵۳۸۱ فقره و موقوفات غیرمتصرفی ذکر شده شامل ۱۷۵۹۸ فقره است. این حیطة نظارت و تصدی وسیع در حالی است که از نظر شرعی، هر موقوفه با توجه به واقف، وقفنامه و اهداف مستقلش، با در نظر گرفتن مصالح وقف باید مستقلاً اداره شود که اداره کردن این امور طبعاً کار مدیران حرفه‌ای، کار به اصطلاح مالیه‌چی‌ها، کار Financierها و کار کسانی است که می‌توانند این وجوهات را به‌درستی اداره کنند. در این سازمان طبعاً بعد از مدتی، گرایش به بزرگ‌شدن خواهد بود، یعنی گرایش به اینکه اوقاف یا وقف متصرفه بیشتری داشته باشیم و حاصل کار سلب امکان رقابت سازنده، بالا رفتن هزینه نگهداری و کاهش نرخ بازده خواهد بود. من چون ۵ دقیقه وقت دارم، مطالب را به شرح زیر نتیجه‌گیری می‌کنم:

۱- با توجه به اهداف شرع مقدس در تلاش برای گسترش وقف و نیز با توجه به الفاظ به‌کار رفته در

- کلام پیشوایان دین و نیز آیات قرآن کریم با بازنگری در تعریف وقف، حوزه اموال قابل وقف می‌باید افزایش یابد.
- ۲- باتوجه به گسترش مفاهیم اقتصادی، عدم صحت وقف پول، در موضوع عدم صحت وقف پول باید بازنگری شود و از طریق ترویج آن صندوق‌هایی به نام صندوق وجوه وقفی جهت رفع مشکل نقدینگی موقوفات و احیای آنها ایجاد شود.
- ۳- باتوجه به جواز استقراض در مدیریت موقوفات، از تأمین مالی مختلف در احیای موقوفات استفاده شود (یعنی، اگر موقوفه پول ندارد که داراییهای مرده‌اش را حرکت دهد، باید بتواند برای آن وام بگیرد).
- ۴- مبنای حفظ اصالت وقف در تحقق شرط ماندگاری به حفظ ارزش اقتصادی و انتفاعی، به‌جای حفظ صورت فیزیکی انتقال یابد.
- ۵- باتوجه به اصل قانونی شخصیت حقوقی برای موقوفات عام و خاص با اجرای این اصل قانونی، واحدهای وقفی به‌عنوان واحدهای خودگردان در جامعه نهادینه شده، از اضمحلال تدریجی آنها جلوگیری شود.
- ۶- جهت هرچه شفاف‌تر کردن اداره موقوفات، متولیان نسبت به ارائه گزارش‌های مستمر مالی و عملکردی ملزم شوند و امکان رسیدگی کارشناسانه به عملکرد متولیان فراهم شود.
- ۷- اداره صندوقهای وقف همچون اداره هر نهاد مالی دیگر به متخصصان مالی و حرفه‌ای کار آزموده واگذار شود.
- ۸- با تدوین قوانین کامل‌تر و ایجاد ضمانت اجرایی، خلاءهای قانونی موجود مرتفع و امکان سوءاستفاده یا عدم اجرای قوانین سلب گردد.
- خیلی متشکرم.